

در سال ۱۳۶۱، ۳۶۶۱ میلیارد ریال در بخش خدمات و ۹۸۷ میلیارد ریال در بخش کشاورزی و دامپروری و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش صنعت و معدن و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش انرژی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش حمل و نقل و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش ارتباطات و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات مالی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات رفاهی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات درمانی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات آموزشی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات فرهنگی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات ورزشی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات تفریحی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات گردشگری و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات سایر.

اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۱، ۳۶۶۱ میلیارد ریال در بخش خدمات و ۹۸۷ میلیارد ریال در بخش کشاورزی و دامپروری و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش صنعت و معدن و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش انرژی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش حمل و نقل و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش ارتباطات و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات مالی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات رفاهی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات درمانی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات آموزشی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات فرهنگی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات ورزشی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات تفریحی و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات گردشگری و ۱۱۹۱ میلیارد ریال در بخش خدمات سایر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵

چشم‌انداز اقتصاد ایران و چالش‌های خارجی

پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد جهانی در سال ۱۹۹۴ با رشدی بین ۲ تا ۳ درصد نسبت به سال ۱۹۹۳ از وضعیت بهتر و باثبات‌تری برخوردار باشد و به نظر می‌رسد که در سال ۱۹۹۴ اقتصاد جهان بعد از گذراندن چند سال کساد می‌توالی، دوره رشد و رونق خود را آغاز نماید.

تطبیق داده می‌شود و استدلال شده که در این شرایط برای نفت خام در سال ۱۹۹۴ علی‌رغم بهبود نسبی شرایط اقتصاد جهانی، تنها تا یک درصد رشد تقاضای نفت با قیمت‌های سال ۱۹۹۳ قابل تصور می‌باشد و در صورت عدم افزایش سقف تولید نفت از طرف اوپک در اجلاس (۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۳)، امید به افزایش نسبی قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۴ دور از انتظار نیست.

شرایط اقتصادی آمریکا در نیمه دوم سال گذشته (۱۹۹۳) به‌طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافت، و رشد اقتصادی این کشور را در کل سال ۱۹۹۳ به بیشترین میزان طی پنجسال گذشته رساند، و رقم ۳ درصد را برای آن به ثبت رسانید.

در رابطه با تقاضای نفت خام از آنجایی که علاوه بر رشد اقتصادی، نوسانات قیمت نفت خام نیز عامل تعیین‌کننده در تقاضای نفت است، با بررسی و مقایسه رشد اقتصادی و تقاضای نفت در سه دوره متمایز ۱۹۶۴-۱۹۷۳، ۱۹۷۴-۱۹۸۵ و ۱۹۸۵-۱۹۹۲ نتیجه‌گیری شده است که در حال حاضر گرچه قیمت‌های حقیقی نفت برای صادرکنندگان آن با دوره قبل از شوک اول نفتی (۱۹۶۴-۱۹۷۳) برابری می‌نماید، ولی برای مصرف‌کنندگان نهایی نفت با دوره قیمت‌های بالای نفت (۱۹۷۴-۱۹۸۵)

۲- عملکرد و چشم‌انداز اقتصاد جهان

اقتصاد جهان از سال ۱۹۸۹ با کساد و روند نزولی فعالیت‌های اقتصادی مواجه بوده است و اقتصاد جهان از رشد استثنائی ۴/۱ درصد در سال ۱۹۸۸ به رشد یک درصدی در سال ۱۹۹۳ تنزل نمود؛ که در این سال نیز وخامت اوضاع اقتصادی جهان به دلایل عمده ذیل همچنان پابرجا باقی ماند:

الف - اقتصاد ضعیف کشورهای عمده صنعتی (ژاپن، آلمان و سایر کشورهای اروپایی)؛

ب - محدودیت در اعمال سیاست‌های مالی انبساطی در اکثر کشورها؛

ج - مسائل و مشکلات اقتصادی کشورهای تازه به استقلال رسیده؛

د - مشکلات اقتصادی بسیاری از کشورهای آفریقا و جنوب آسیا؛

یافته‌های اقتصاد ایران در این دوره، در حالی که به نظر می‌رسد، در جهت توسعه و پیشرفت است. این امر را می‌توان از طریق تغییرات زیر مشاهده کرد:

۱- رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی.

۲- افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی و خدماتی.

۳- بهبود شاخص توسعه انسانی (HDI) و افزایش امید به زندگی.

۴- افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری.

۵- رشد صادرات و افزایش سهم بخش خدمات در صادرات.

۶- افزایش سهم بخش خدمات در جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

۷- بهبود شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی.

۸- افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر.

۹- بهبود شاخص کیفیت زندگی.

۱۰- افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر.

در این دوره، اقتصاد ایران شاهد تغییرات مهمی بوده است. این تغییرات را می‌توان از طریق تغییرات زیر مشاهده کرد:

۱- رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی.

۲- افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی و خدماتی.

۳- بهبود شاخص توسعه انسانی (HDI) و افزایش امید به زندگی.

۴- افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری.

۵- رشد صادرات و افزایش سهم بخش خدمات در صادرات.

۶- افزایش سهم بخش خدمات در جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

۷- بهبود شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی.

۸- افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر.

۹- بهبود شاخص کیفیت زندگی.

۱۰- افزایش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر.

نفت بیش از ۱/۳ درصد در سالهای آینده (تا سال ۲۰۰۰) دور از انتظار است.

۱-۲- عملکرد و چشم‌انداز اقتصاد کشورهای صنعتی

در بین کشورهای صنعتی، اقتصاد ژاپن و کشورهای اروپایی را کد بوده و تمام کشورهای اروپای غربی به‌استثنای انگلیس و نروژ در سال ۱۹۹۳ تحت الشعاع این کساد قرار گرفتند در حالی که اقتصاد آمریکا و کانادا روبه بهبود گذارد.

کشورهای صنعتی در آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز با رکود اقتصادی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۲ مواجه بودند که از آن پس دوران رونق اقتصادی آغاز شد و مجدداً از سه‌ماهه چهارم سال ۱۹۹۰ دوره رکود و کسادی فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای صنعتی ظاهر گردید و سال گذشته (۱۹۹۳) سومین سال متوالی بود که رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در سطحی پایین تراز پتانسیل رشد این کشورها باقی ماند و رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۳ تنها ۱/۲ درصد ثبت شد (جدول شماره ۱). به‌نظر می‌رسد اقتصاد کشورهای صنعتی در سال گذشته پایین‌ترین نقطه خود را پشت سر گذاشته و حرکت صعودی خود را آغاز نموده باشد.

نفت ارزان نقش محرک را در اقتصاد آمریکا بازی خواهد کرد و تداوم رشد اقتصادی، مهمترین عامل در افزایش محبوبیت رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا و ضمانتی برای انتخاب مجدد وی به مقام ریاست‌جمهوری خواهد بود.

در کنار ارقام مربوط به رشد اقتصادی، میزان نرخ تورم نیز از اهمیت و توجه بسیار زیادی برخوردار است. در سال گذشته میانگین تورم در کشورهای صنعتی ۳/۳ درصد برآورد گردید که در مقایسه با تورم ۴ درصدی سال ۱۹۹۲ کاهش نشان می‌دهد. در حال حاضر تورم در کشورهای صنعتی تحت کنترل بوده و در بعضی از این کشورها، از دهه ۱۹۶۰ تا کنون، چنین نرخ پایینی تورمی مشاهده نشده است. از طرفی نرخهای تورم پایین به کشورهای صنعتی اجازه داد که به‌منظور کمک به بهبود اوضاع اقتصادی، نرخهای بهره را کاهش دهند، و بانک مرکزی آلمان در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۳ در اقدامی برای تحرک فعالیت‌های اقتصادی، نرخ تنزیل مجدد را از ۶/۲۵ به ۵/۷۵ درصد و نرخ لمبارد (بهره بین بانکی) را از ۷/۲۵ به ۶/۷۵ درصد کاهش داد، و به دنبال اقدام دولت آلمان دیگر کشورهای اروپایی نظیر بلژیک، فرانسه، ایتالیا، اتریش، اسپانیا،

ژاپن با ۷/۰ درصد، پیش‌بینی شده است. از آنجایی که هفت کشور عمده صنعتی جهان نزدیک به ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند شرایط اقتصادی این کشورها مفصل‌تر بررسی می‌شود.

ایالات متحده آمریکا

آمریکا با ۵۷۲۲/۹ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، ۳۷/۷ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی جهان (OECD) را در سال ۱۹۹۱ به خود اختصاص داده و تاکنون بیشترین سهم را در اقتصاد جهان داشته است.

اقتصاد آمریکا در نیمه اول سال ۱۹۹۳ با رشد ۱/۳۵ درصد تنها رشد ملایمی را تجربه نمود و افزایش تقاضای داخلی بیشتر متوجه واردات مواد صنعتی و کالاهای سرمایه‌ای - و نه تولیدات داخلی - گردید و در ضمن صادرات آمریکا هم به واسطه رکود اقتصادی اروپا و ژاپن رشد بطیعی داشت و با افزایش بیشتر رشد واردات نسبت به رشد صادرات، بر میزان کسری تجاری آمریکا افزوده شد، و کسری تراز تجاری آمریکا در سال ۱۹۹۳ به بالاترین میزان طی پنجسال گذشته رسید و این کسری از ۸۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲

اقتصادی در بسیاری از کشورهای اروپایی در مراحل پایانی خود می‌باشد. رشد اقتصادی جامعه اروپا در سال جاری (۱۹۹۴) و در سال ۱۹۹۵ به ترتیب برابر ۱/۶ و ۲/۵ درصد پیش‌بینی شده است. باور کلی بر این است که اقتصاد کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۴ حدود ۲ درصد رشد می‌نماید. (جدول ۱)

نرخ رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۴ اشتغال کافی را به وجود نخواهد آورد و نرخ بیکاری طی دو سال آینده در کشورهای صنعتی تنزل چندانی نخواهد کرد و نرخ بیکاری برای سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب ۸/۵ و ۸/۴ درصد پیش‌بینی شده است، و بحران ناشی از بیکاری در کشورهای اروپایی تشدید خواهد شد به طوری که تا اواسط سال ۱۹۹۴ حدود ۲۲ میلیون نفر در اروپا بیکار خواهند بود؛ که معادل ۱۱/۵ درصد نیروی کار این قاره می‌باشد و این مسئله سیاستمداران را تحت فشار قرار می‌دهد که برای ایجاد شغل تلاش نمایند.

تورم در کشورهای صنعتی تا سال ۱۹۹۵ به ۳/۱ درصد کاهش خواهد یافت و میانگین تورم در سال ۱۹۹۴ برابر ۳/۲ درصد پیش‌بینی شده، که بالاترین میزان تورم در هفت کشور صنعتی برای ایتالیا با ۴/۱ درصد، و کمترین میزان تورم برای

مدیران و صاحبان مشاغل مختلف در آمریکا نسبت به اوضاع اقتصادی این کشور را افزایش داده است، و تقاضای داخلی با توجه به حجم فروش بیشتر خرده فروشی و خانه سازی روند افزایشی داشته است، و شرکتها نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی را بالا بردند و در ماه اکتبر ۱۹۹۳ به ۸۲/۴ درصد رسید و احتمالاً طی سال ۱۹۹۴ ظرفیت خالی کاملاً جذب می شود، که این امر پتانسیل افزایش رشد اقتصادی را کاهش می دهد. تقاضا برای نیروی کار در سال گذشته نیز افزایش یافت و نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۳ به ۶/۹ درصد محدود شد که با رقم ۷/۴ درصد سال ۱۹۹۲ قابل مقایسه می باشد و در بالاترین کاهش طی ده سال گذشته در این کشور میزان بیکاری ماهانه در آمریکا در ماه فوریه ۱۹۹۴ به ۶/۵ درصد رسید که این امر نشانگر ایجاد تحرک در اقتصاد این کشور، سرعت یافتن فعالیتها و افزایش تولیدات، ارزیابی می شود. میزان کسری بودجه آمریکا که در سال مالی ۱۹۹۲ به ۲۹۰/۳ میلیارد دلار رسیده بود در سال مالی ۱۹۹۳ به ۲۵۴/۹ میلیارد دلار کسری محدود گردید. و پیش بینی شده که کسری بودجه آمریکا از ۴/۵ درصد GDP در سال ۱۹۹۲ به ۲/۷ درصد در سال ۱۹۹۴ کاهش خواهد یافت. ظواهر امر نشان می دهد که اقتصاد آمریکا

در سال ۱۹۹۳ مرحله خوبی را سپری نموده و این روند به احتمال زیاد تداوم خواهد یافت. آمریکا در سال ۱۹۹۴ از بهبود اقتصادی خوبی برخوردار خواهد شد. اقتصاد این کشور به لحاظ بهره وری بالاتر، تورم و نرخهای بهره پایین تر موجب افزایش تقاضای داخلی و سرمایه گذاری شده و فعالیت مناسب در بخشهای خانه سازی، رشد بالای مصرف کالاهای بادوام، و سرمایه گذاری قابل توجه شرکتهای موسسات اقتصادی در زمینه تولید از عوامل مهم خوشبینی نسبت به اوضاع اقتصادی آمریکا در سال ۱۹۹۴ به شمار می رود. سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD)، رشد اقتصادی این کشور را در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب برابر ۳/۱ و ۲/۷ درصد پیش بینی نموده و اخیراً اعلام نموده که اقتصاد آمریکا در سال جاری (۱۹۹۴) تا ۴/۲ درصد رشد می نماید و دولت آمریکا نیز رشد اقتصادی را در سال ۱۹۹۴ برابر ۳ درصد و همچنین برای سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ حدود ۲/۷ درصد پیش بینی می نماید.

قیمتهای پایین نفت نیز منافع اقتصادی زیادی برای آمریکا در برداشته است و به نظر رئیس شورای مشاورین اقتصادی کلینتون (LAURA TYSON) اگر قیمتهای نفت خام در سال ۱۹۹۴ به میزان ۱۵ درصد

کسادى اقتصادى، براى کسب سهم بيشتر بازار آمريکا در سال ۱۹۹۴، تلاش خواهند نمود؛ و انتظار بر اين است که کسرى تراز تجارى آمريکا با افزايش بيشتر رشد واردات نسبت به صادرات، به روند فزاينده خود ادامه دهد.

ژاپن

در بين کشورهاى صنعتى، ژاپن بعد از آمريکا با ۲۳۵۳ ميليارد دلار توليد ناخالص داخلى در رده دوم قرار دارد و ۱۵/۵ درصد توليد ناخالص داخلى ۲۴ کشور صنعتى (OECD) را در سال ۱۹۹۱ به خود اختصاص داد. در سال ۱۹۹۳ اقتصاد ژاپن با تداوم کاهش مصرف و سرمايه گذارى خصوصى و على رغم محرکه هاى مالى و اعمال سياست پولى انبساطى، با رشد منفى مواجه شد و اقتصاد اين کشور حدود ۰/۵ درصد رشد منفى يافت؛ و اين دومين کاهش در توليد ناخالص داخلى اين کشور از سال ۱۹۷۴ مى باشد که در آن سال به واسطه بحران بازار نفت رشد اقتصادى اين کشور منفى ۰/۶ درصد گرديد. کسادى بازار و رکود اقتصادى ژاپن در سال ۱۹۹۳ تعداد زيادى از شرکتهاى ژاپنى را به ورشکستگى کشانيد و بزرگترين ورشکستگى پس از دوران جنگ جهانى دوم در ژاپن در اوائل

در سال جارى (۱۹۹۴)، افزايش فعاليتها و رونق اقتصادى در کشورهاى صنعتى همراه با توافقات تجارى سال گذشته (۱۹۹۳)، موجب آن مى شود تا براى تجارت و اقتصاد جهانى رشد بالاترى را، نسبت به سال گذشته، انتظار داشت.

نوامبر با بدهى ۵/۴۶ ميليارد دلارى شرکت معظم ساختمانى موراموتو گزارش شد. شرکت فولاد نيون ژاپن بزرگترين توليدکننده فولاد جهان نيز در سال ۱۹۹۳ ضرر نمود که علت آنهم رکود اقتصادى اين کشور گزارش گرديد. در پى افزايش ارزش برابرى بين ژاپن در مقابل ساير ارزها و در نتيجه کاهش تقاضا براى محصولات ژاپنى، بسيارى از صنايع ژاپن با رکود مواجه شده اند و رکود اقتصادى غرب نيز در کاهش صادرات ژاپن مزيد بر علت بود.

اقتصاد ژاپن از افزايش شديد ارزش ين در مقابل دلار و کاهش ميزان فروش کالاها و خدمات در سال گذشته لطمهديد و ارزش ين در برابر دلار طى ۸ ماه از ژانويه تا اوت ۱۹۹۳ به ميزان ۲۰ درصد افزايش يافت. در سال ۱۹۹۳ دولت ژاپن تحت فشارهاى آمريکا و ديگر کشورهاى اروپائى بالاخره ناگزير شد درهاى اين کشور را بر روى کالاهای خارجى بيشتر بگشايد. اقدامى که

آلمان

آلمان با ۱۳۳۵/۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۱ سومین کشور جهان صنعتی است و ۸/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی (OECD) را در آن سال عرضه نموده است. در سال ۱۹۹۳ رکود شدید آلمان موجب شد تا عملکرد دیگر کشورهای اروپایی نیز تحت تاثیر قرار گرفته و وخیم تر شود. در سال ۱۹۹۳ آلمان با عمیقترین رکود اقتصادی از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون مواجه شد.

در سال ۱۹۹۳ رکود شدید آلمان موجب آن شد تا عملکرد دیگر کشورهای اروپایی نیز تحت تاثیر قرار گرفته و وخیم تر گردد.

وخیم تر شدن عوامل عمده تشکیل دهنده تقاضای داخلی، افزایش تورم، بیکاری بالا، کاهش سفارشها و کساد تقاضای خارجی موجب کاهش فعالیتهای اقتصادی آلمان در سال گذشته شد. در سال ۱۹۹۳ سرمایه گذاری تولیدی شرکتها بیش از ۱۴ درصد کاهش یافت، در ضمن، نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، از ۸۳ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۷۸ درصد در این سال (۱۹۹۳)، کاهش داشت. در سال گذشته

دادند. موسسات تحقیقاتی ژاپنی برآورد نموده اند که انتقال تولید به خارج به معنی ۱/۱ میلیون شغل کمتر در ژاپن طی پنجسال آینده می باشد.

میزان بیکاری در سال ۱۹۹۴ برابر ۲/۹ درصد جمعیت فعال این کشور و میزان تورم نیز در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ حدود ۰/۷ واحد درصدی پیش بینی شده است.

در شرایط اقتصادی موجود به نظر می رسد از سرگیری رونق اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۹۴ بسیار به کندی صورت گیرد و با افزایش در مصرف خصوصی و هزینه های دولتی ممکن است رشد اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۹۴ تا ۰/۵ درصد بالغ گردد. موسسه تحقیقاتی نیکو با فرض ارزش هر دلار برابر ۱۱۲/۵ ین پیش بینی می نماید که اقتصاد ژاپن طی سال مالی ۱۹۹۴ برابر ۰/۳ واحد درصدی رشد خواهد داشت و استدلال شده است که تقویت ارزش ین (یا کاهش ارزش برابری دلار به میزان هر ین) موجب تنزل رشد اقتصادی ژاپن (به مقدار ۰/۳ درصد) می شود و بدین ترتیب در صورت کاهش ارزش برابری دلار نسبت به ین به میزان ۱۰ ین (یعنی هر دلار = ۱۰۲/۵۰ ین طی سال ۱۹۹۴) موجب می گردد که رشد اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۹۴ تنها برابر صفر گردد.

فرانسه

پس از آلمان کشور فرانسه با $1032/25$ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی $6/8$ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را به خود اختصاص داده و چهارمین کشور در اقتصاد صنعتی قلمداد می‌شود. برای اقتصاد فرانسه در سال ۱۹۹۳ رشد منفی $7/0$ درصد برآورد گردیده و به نظر می‌رسد که اقتصاد فرانسه مرحله پایانی رکود را در سال گذشته سپری نموده و در سال ۱۹۹۴ بهبود فعالیت‌های اقتصادی با آهستگی شروع شده است. از آنجایی که اقتصاد فرانسه و آلمان شدیداً به هم وابسته‌اند بنابراین این بعید است که اقتصاد فرانسه بدون رونق اقتصادی آلمان بهبود اساسی یابد، و بر روی رشد حدود یک درصدی اقتصاد فرانسه در سال ۱۹۹۴ اتفاق نظر کلی وجود دارد، و این میزان رشد اقتصادی مشکل بیکاری این کشور را کاهش نمی‌دهد و متوسط نرخ بیکاری که در اوایل ژانویه حدود ۱۲ درصد نیروی کار گزارش گردید، برای سال ۱۹۹۴ این رقم $12/4$ درصد پیش‌بینی شده است. در شرایط ساختاری کنونی برای تثبیت اشتغال در فرانسه رشد اقتصادی ۲ درصد لازم است و با رشد اقتصادی ۳ درصد کاهش بیکاری متصور خواهد بود که برای اقتصاد فرانسه

مالیاتی‌های غیرمستقیم و مالیاتی‌های جدید بر فرآورده‌های نفتی که از ژانویه ۱۹۹۴ به مرحله عمل درآمد، و تقاضا برای افزایش دستمزدها از جمله اعتصاب همگانی رانندگان وسائط نقلیه عمومی و کارگران شهرداریها در اواخر فوریه ۱۹۹۴ به منظور افزایش ۴ درصدی دستمزدشان، تورم تا حدی افزایش خواهد یافت.

در مورد نرخ بهره آلمان انتظار می‌رود که نرخهای بهره کوتاه مدت آلمان تا پایان سال ۱۹۹۴ به ۴ درصد کاهش یابد. آلمان که جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی، نرخهای بهره این کشور را در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۳ کاهش داده بود؛ در ۱۷ فوریه ۱۹۹۴ نیز نرخ بهره خود را تا نیم درصد دیگر کاهش داد، به طوری که نرخ تنزیل مجدد که ارزاترین نرخ برای وامهای تجاری می‌باشد از $5/75$ به $5/25$ درصد کاهش یافت، ولی نرخ لمبارد در سطح $6/75$ درصد باقی ماند. قابل ذکر است که نرخ تنزیل مجدد برای سرمایه گذاران بسیار مهمتر است. کشورهای اروپایی امیدوارند که در سال ۱۹۹۴ بانک مرکزی آلمان نرخهای بهره خود را بیش از این کاهش دهد تا آنها نیز بتوانند نرخهای بهره خود را کاهش دهند، تا از این راه میزان سرمایه گذارها را افزایش داده و از رکود اقتصادی به درآیند.

تأسیسات را به منظور توسعه بیشتر و گسترش دامنه فعالیتها در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود. در این سال، تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود.

در سال ۱۳۶۱ و ... اقتصاد ایران و بخش کشاورزی ... تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود.

تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود. در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود.

تأسیسات

در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود. در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود. در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود.

تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود. در سال ۱۳۶۱ اقدام به تأسیسات جدیدی در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن نمود.

در سال ۱۹۹۴ برابر ۱/۴ درصد پیش‌بینی شده که در مقایسه با نرخ تورم ۳/۸ درصد در سال گذشته می‌باشد. ولی هنوز تورم و بیکاری همچنان در ردیف مشکلات اقتصادی ایتالیا باقی خواهد ماند و نرخ بیکاری در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب ۱۱/۱ و ۱۱/۶ درصد پیش‌بینی شده است. با کاهش ارزش لیر، موقعیت رقابت‌پذیری محصولات ایتالیا بهبود خواهد یافت و بهبود اوضاع اقتصادی در حال حاضر ناشی از رشد صادرات این کشور است، و مازاد تراز تجاری ایتالیا در سال ۱۹۹۴ تا ۳۰/۵ میلیارد دلار توسط OECD پیش‌بینی شده است.

انگلیس

کشور انگلیس با ۸۹۵/۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و دارا بودن سهم ۵/۹ درصدی، در رده‌بندی اقتصاد کشورهای صنعتی (OECD) در رتبه ششم قرار دارد. رونق اقتصادی انگلیس که از بهار سال ۱۹۹۲ شروع شد طی سال گذشته نیز تداوم یافت. پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و در کنار آن افزایش کارآیی کارگران، صنایع انگلیس را به یکی از کم هزینه ترین صنایع اقتصادهای بزرگ اروپا تبدیل کرده است. آمار کمیسیون جامعه اروپا حاکی است که

در انگلیس متوسط سطح دستمزد کارگران برای هر ساعت ۱۸ دلار می‌باشد در حالی که این میانگین در جامعه اروپا برابر ۲۰ دلار برای هر ساعت است.

انگلیس با افزایش مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری و تسقویت اعتماد مصرف‌کنندگان و ثبات در قیمت‌های مسکن و خرده فروشی، تداوم رشد مصرف را تضمین کرده است. همچنین کاهش ارزش پوند از سپتامبر ۱۹۹۲، در افزایش صادرات این کشور موثر بوده است، ولی در انگلیس هنوز شرایط بازار کار مطلوب نیست و نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۳ برابر ۱۰/۳ درصد گزارش گردید. در سال گذشته میزان تورم در انگلیس قابل کنترل بود و در سطح پائینی قرار داشت. نگاهی به عملکرد اقتصادی سی ساله گذشته انگلیس حاکی از افزایش شدید تورم پس از پیدایش دوره رونق و شکوفایی اقتصادی است که پس از دوره‌ای به رکود منتهی شده است. این روند بویژه در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ آشکار است؛ به طوری که رشد بالای اقتصادی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ باعث شد سطح درآمدها افزایش قابل توجهی داشته باشد و نرخ تورم نیز افزایش یابد و با توجه به نرخ بالای تورم، با افزایش شدید نرخ بهره برای مهار آن اقدام شد و نرخ تورم از ۷/۱ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۲ درصد در سال ۱۹۹۳

این روش‌ها در سال ۱۳۹۳ میلادی در حدود ۸ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهند.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

در سال ۱۳۹۳ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۷/۱٪ بود. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۳/۸٪ و در سال ۱۳۹۱ میلادی، رشد اقتصادی کشور ۲/۸٪ بوده است. این روند نشان‌دهنده روند رو به بالا در اقتصاد ایران است.

چنانچه بهبود اقتصادی آرام پیش‌بینی شده در سال ۱۹۹۴ تحقق یابد، آنگاه حجم معاملات تجاری جهان نیز افزایش خواهد یافت، و تجارت جهانی از رشدی بین ۵ تا ۶ درصد در سال جاری برخوردار خواهد شد.

کشور کانادا در مقایسه با هفت کشور عمده صنعتی جهان در سال ۱۹۹۵ بهترین چشم‌انداز اقتصادی را خواهد داشت. سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) و صندوق بین‌المللی پول (IMF)، در آخرین گزارش خود رشد اقتصادی کانادا را در سال ۱۹۹۵ برابر ۴/۱ درصد پیش‌بینی نموده‌اند و در همین حال میزان تورم نیز آرام و قابل کنترل است که برای سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب برابر ۱/۸ و ۱/۹ درصد پیش‌بینی می‌شود.

انتظار می‌رود که صادرات کانادا در سال ۱۹۹۴ به سبب رونق اقتصادی آمریکا - طرف اصلی تجاری این کشور - افزایش یابد (برای نمونه در سال ۱۹۹۳ حدود ۸۰ درصد از کل صادرات کانادا به آمریکا ارسال شد).

پیش‌بینی می‌شود که مازاد تجاری کانادا از ۱۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به ۱۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش

آخرین کشور در میان هفت کشور عمده صنعتی جهان کاناداست که با ۵۳۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی ۳/۵ درصد سهم از مجموع تولید ناخالص کشورهای صنعتی را به خود اختصاص داده است. اقتصاد کانادا در سال ۱۹۹۳ با رشد ۲/۵ درصد در مسیر رونق مستحکم و بادوامی قرار گرفته است. میزان بیکاری از ۱۱/۵ درصد در ماه ژوئیه ۱۹۹۳ به ۱۱/۱ درصد جمعیت فعال این کشور در ماه فوریه ۱۹۹۴ کاهش یافت. تداوم رشد صادرات و افزایش اشتغال و رشد ملایم مصرف خصوصی، رونق اقتصادی کانادا را تداوم بخشید. تجدید ساختار صنایع، سود آوری را بیشتر نموده و سرمایه‌گذاری تجاری را در سطح بالا نگه داشت. تورم کانادا در دو سال اخیر در سطح پایین کمتر از ۲ درصد باقی ماند و مازاد تجاری کانادا از ۸/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به ۱۰/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ به دنبال تقویت ارزش دلار در بازار بین‌المللی ارز، بانک کانادا در اوایل ژانویه ۱۹۹۴ نرخ بهره خود را از ۴/۱۱ به ۴/۰۵ درصد کاهش داد به طوری که این نرخ پایین‌ترین حد خود طی سی سال گذشته می‌باشد.

در سال ۱۳۵۷ ...
 در سال ۱۳۵۸ ...
 در سال ۱۳۵۹ ...
 در سال ۱۳۶۰ ...
 در سال ۱۳۶۱ ...
 در سال ۱۳۶۲ ...
 در سال ۱۳۶۳ ...
 در سال ۱۳۶۴ ...
 در سال ۱۳۶۵ ...
 در سال ۱۳۶۶ ...
 در سال ۱۳۶۷ ...
 در سال ۱۳۶۸ ...
 در سال ۱۳۶۹ ...
 در سال ۱۳۷۰ ...

در سال ۱۳۵۷ ...
 در سال ۱۳۵۸ ...
 در سال ۱۳۵۹ ...
 در سال ۱۳۶۰ ...
 در سال ۱۳۶۱ ...
 در سال ۱۳۶۲ ...
 در سال ۱۳۶۳ ...
 در سال ۱۳۶۴ ...
 در سال ۱۳۶۵ ...
 در سال ۱۳۶۶ ...
 در سال ۱۳۶۷ ...
 در سال ۱۳۶۸ ...
 در سال ۱۳۶۹ ...
 در سال ۱۳۷۰ ...

کلیه کارهای اداری و اجرایی

در سال ۱۳۷۱ ...
 در سال ۱۳۷۲ ...
 در سال ۱۳۷۳ ...
 در سال ۱۳۷۴ ...
 در سال ۱۳۷۵ ...
 در سال ۱۳۷۶ ...
 در سال ۱۳۷۷ ...
 در سال ۱۳۷۸ ...
 در سال ۱۳۷۹ ...
 در سال ۱۳۸۰ ...

کلیه کارهای دولتی

در سال ۱۳۷۱ ...
 در سال ۱۳۷۲ ...
 در سال ۱۳۷۳ ...
 در سال ۱۳۷۴ ...
 در سال ۱۳۷۵ ...
 در سال ۱۳۷۶ ...
 در سال ۱۳۷۷ ...
 در سال ۱۳۷۸ ...
 در سال ۱۳۷۹ ...
 در سال ۱۳۸۰ ...

سه ماهه اول سال ۱۹۹۳ برای صادرات کره به چین تا ۱۵۰ درصد رشد گزارش گردید. با تسریع رشد اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده آسیا، نظیر هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان، کره جنوبی، سهم این کشورها در تجارت جهانی نیز افزایش یافت و از ۲/۲ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۹ درصد در سال ۱۹۹۲ رسید. سهم کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا نیز در تجارت جهانی در این دوره از ۱/۶ به ۳/۳ درصد افزایش یافت.

رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در سال گذشته (۱۹۹۳) برابر ۶/۱ درصد گزارش گردید و این رشد، بیشتر مرسوم رشد قوی در کشورهای حوزه اقیانوس آرام، کشورهای تازه صنعتی شده آسیا، و رونق اقتصادی در چند کشور آمریکای لاتین (از جمله برزیل) و عملکرد مطلوب اقتصادی در کشور چین، می باشد..

پیش گرفته‌اند و دیگر پایین بودن نسبی فساد مالی بین کارکنان دولت و کارآیی دستگاههای دولتی با یک خط مشی مناسب اقتصادی قلمداد گردیده است. کشورهای آسیایی در سال ۱۹۹۴ با بهبود اوضاع اقتصادی جهان و افزایش صادرات به کشورهای صنعتی رشد اقتصادی چشمگیری خواهند داشت، و آسیا در سال ۱۹۹۴ پویاترین قاره جهان از لحاظ اقتصادی باقی خواهد ماند و عامل موثر نیز بهبود وضعیت اقتصادی آمریکا و بهبود تدریجی وضعیت اقتصادی در کشورهای اروپایی است. رشد اقتصادی کشورهای کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، تایلند و مالزی، در مجموع در سال ۱۹۹۴ برابر ۶/۱ درصد پیش‌بینی گردیده است. کشورهای آسیای جنوبی نیز در این سال

سیاست توسعه صادرات کشورهای آسیایی، سبب تسریع رشد تجارت و اقتصادی این کشورها شده و کشورهای تازه صنعتی شده آسیا و اقیانوس آرام در حال حاضر کالاهای صادراتی خود را متنوع کرده و دیگر صرفاً مواد اولیه به خارج ارسال نمی‌کنند، بلکه تولیدات کارخانه‌ای قابل رقابت با تولیدات سایر کشورها نیز در زمره صادرات آنها محسوب می‌شود؛ و به نظر بانک جهانی، سریع بودن رشد اقتصادی این کشورها در جهان به واسطه سرمایه‌گذاری داخلی از سوی بخش خصوصی، رشد سریع نیروی متخصص و میزان بالای سپرده‌ها در سایه مدیریت کارآمد دولتی بوده است، و دیگر اینکه این کشورها به‌طور کامل از سیاست بازار آزاد پیروی ننموده بلکه اکثراً سیاستهای دخالتی

که دستاوردی به رشد اقتصادی ۹ درصد در سال ۱۹۹۴ مناسب دانسته و معتقد است که برای چنین دولت تصمیم گیری برای برنامه های مناسب است. برای کنترل تورم و کاهش تورم، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند.

به طور کلی، به نظر می رسد که اقتصاد ایران در حال گذر از دوره ای است که در آن تورم به شدت افزایش یافته است. این تورم ناشی از افزایش هزینه های تولید، افزایش قیمت های جهانی و کاهش ارزش ریال است. دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند.

چگونگی

خواهند شد. از این رو، به نظر می رسد که اقتصاد ایران در حال گذر از دوره ای است که در آن تورم به شدت افزایش یافته است. این تورم ناشی از افزایش هزینه های تولید، افزایش قیمت های جهانی و کاهش ارزش ریال است. دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند. در حالی که اقتصاد کشور به سمت رشد و توسعه می رود، دولت باید سیاست های انقباضی اتخاذ کند تا تورم را کنترل کند.

رشد اقتصادی ۱۳ درصد در سال ۱۹۹۳ بسیار زیاد بوده است.

کشورهای آمریکای لاتین

اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۳ از رشد متوسط ۳/۵ درصد برخوردار گردید، و این گروه از کشورها توانسته‌اند افزایش نرخ تورم را تا حدودی مهار کنند و در مجموع ثبات اقتصادی بیشتری بدست آورند. نرخ تورم در بیش از نیمی از این کشورها به کمتر از ۱۵ درصد رسیده است و این در شرایطی است که کشورهای آمریکای لاتین به دلیل نرخ تورم بسیار بالا و بدهیهای هنگفت طی سالهای گذشته، همواره با مشکل مواجه بوده‌اند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیز در گزارش اخیر خود رشد اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین را در سال ۱۹۹۴ حدود ۳/۵ درصد پیش‌بینی می‌نماید.

کشورهای عضو شوروی سابق و اروپای شرقی

در شوروی سابق، مسائل سیاسی، اصلاحات اقتصادی نامتعادل، برنامه‌های تعدیل ساختاری دشوار، کاهش تولیدات

صنعتی، تورم، و روند نزولی صادرات، از عوامل رکود اقتصادی این کشورها در سال ۱۹۹۳ بوده است. مبادلات در بین این کشورهای تازه استقلال یافته نیز بخاطر کاهش اعتبارات روسیه برای خرید نفت و گاز تنزل یافته است. در سال گذشته عدم ثبات پولی در روسیه و اکثر کشورهای شوروی سابق - به استثنای سه کشور حوزه دریای بالتیک - از نگرانیهای عمده این کشورها تلقی گردید. نرخ برابری هر روبل روسیه در برابر دلار آمریکا که در سال ۱۹۸۹ برابر ۱/۴۵ دلار بود در دسامبر ۱۹۹۳ به ۱۲۰۰ روبل در برابر هر دلار رسید و این روند ادامه یافته به طوری که در ۱۰ مارس ۱۹۹۴ هر دلار در مقابل ۱۷۰۶ روبل معامله شد.

آمارهای رسمی حاکی از وضعیت بسیار بد و نامناسب اقتصادی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بوده و در سال ۱۹۹۳ نرخ تورم به نحو آزاردهنده‌ای در این کشورها افزایش یافت. با افزایش میزان تورم و بیکاری در بعضی از کشورها ناآرامیهای اجتماعی نیز شدت گرفت. تولیدات صنعتی در سال گذشته در این کشورها کاهش یافت و براساس ارقام کمیته آمار کشورهای مستقل مشترک المنافع تولید صنعتی در طی ۱۱ ماه سال ۱۹۹۳ تا ۱۴/۷ درصد نسبت به دوره مشابه سال ۱۹۹۲ کاهش نشان

بوده است. در سال ۱۹۶۳ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۴ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۵ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است.

در سال ۱۹۶۳ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۴ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۵ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است.

در سال ۱۹۶۴ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۵ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۶ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است.

اقتصادی به عنوان یک بخش از اقتصاد کلان

در سال ۱۹۶۵ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۶ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۶۷ در استان اقتصادی که در حدود ۴ درصد بود، برای آن رشد اقتصادی ۴ درصد پیش‌بینی شده است.

آفریقا

که با پیشنهاد فرانسه و صندوق بین‌المللی پول در اوایل ۱۹۹۴ به مرحله اجرا درآمد برای گشایش در اقتصاد ۱۴ کشور عضو اتحادیه مالی آفریقا (سنگال، مالی، بورکینافاسو، ساحل عاج، توگو، گینه استوایی، بنین، نیجر، چاد، کامرون، گابن، کنگو، کومورو، جمهوری مرکزی آفریقا) می‌باشد به طوری که امید است با رونق صنایع صادراتی، اقتصاد این کشورها از حالت رکود کنونی خارج شده و رونق یابند که این امر برای شرکت‌های خصوصی و صنایع صادراتی این کشورها سودمند است ولی با بالا رفتن نرخ تورم، طبقه کم درآمد این کشورها عملاً فقیرتر خواهند شد.

کشورهای عضو اوپک

در سال ۱۹۹۳ کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای صادرکننده نفت با قیمتهای پایین نفت مواجه بودند. در طی سال گذشته قیمت نفت ۲۵ درصد کاهش یافت و امید صادرکنندگان و وعده و وعیدها به افزایش قابل ملاحظه در قیمتهای نفت در اواسط دهه ۱۹۹۰، در حال حاضر خیال باطلی به نظر می‌رسد. با کاهش بهای نفت در بازار جهانی در سال ۱۹۹۳، درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک کاهش شدیدی یافته و ۱۳/۶ میلیارد دلار کمتر از سال

بسیاری از کشورهای آفریقا در سال ۱۹۹۳ با مشکلات اقتصادی و کمبود مواد غذایی روبه‌رو بوده‌اند. حدود ۱۴ کشور آفریقایی که اکثراً با جنگ‌های داخلی گریبانگیر بودند بیش از سایر کشورهای این منطقه با مشکلات غذایی روبرو شدند و بدهیهای کلان که بیش از تولید ناخالص داخلی این قاره بوده و میزان بهره‌های پرداختی آن - که با یک سوم درآمدهای صادراتی این کشورها برابری می‌نماید - به صورت یکی از مشکلات دائمی این قاره درآمده است.

گروه کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCs) مشتمل بر ۴۷ کشور و جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر هنوز با مشکلات ساختاری توسعه نیافتگی مواجه اند و در سال ۱۹۹۱، (جدیدترین آمار رسمی در دسترس) رشد اقتصادی مجموع این کشورها منفی ۰/۲ درصد گزارش گردید.

رشد اقتصادی قاره آفریقا در سال ۱۹۹۴ برابر ۲/۶ درصد پیش‌بینی شده است و رشد جمعیت آفریقا برای نهمین سال متوالی بیش از رشد اقتصادی این قاره خواهد بود به طوری که درآمد سرانه این قاره در ده سال اخیر به شدت کاهش یافته است. کاهش شدید ارزش پول کشورهای غرب آفریقا،

جهان، امیدی به افزایش زیاد تقاضا برای نفت خام نیز نمی‌رود زیرا کشورهای صنعتی برای تامین کسری بودجه و پروژه‌های انرژی ملی و زیست محیطی خود در تلاش تامین درآمد می‌باشند و مالیات بر انرژی افزایش یافته است. برای نمونه فرانسه در ماه ژوئیه و آمریکا در ماه اکتبر ۱۹۹۳ به این عمل اقدام نمودند و انگلیس برنامه ریزی نموده که ۸ درصد مالیات بر ارزش افزوده جدید بر سوخت داخلی خود از ماه آوریل ۱۹۹۴ وضع نماید؛ و طی یکسال به ۱۷/۵ درصد افزایش یابد. ولی در مجموع با تحولات شرایط اقتصادی و تجاری بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ و انجام اصلاحات اقتصادی در بعضی از کشورهای صادرکننده نفت خام، افزایش صادرات غیر نفتی و ورود سرمایه‌های خارجی و تقویت ارزش دلار و اقدام موثر اوپک (حداقل عدم افزایش سقف تولید مصوب) انتظار بر این است که شرایط اقتصادی کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۹۴ نسبت به سال ۱۹۹۳ بهبود یابد.

۳- عملکرد و چشم‌انداز تجارت جهان

حجم مبادلات تجاری جهان در سال ۱۹۹۲ نسبت به سال قبل ۴/۵ درصد افزایش داشت. در سالهای اخیر رشد

اقتصادی جهان سریعتر از رشد تجارت جهانی کاهش یافته است به طوری که طی دوره ۱۹۸۸ - ۱۹۹۲ رشد اقتصادی جهان از ۴/۴ درصد به ۰/۷ درصد شدیداً کاهش یافت، ولی رشد تجارت جهانی در این دوره از ۸ درصد به ۴/۵ درصد و با سرعت کمتری تنزل نمود، بدین معنی که رشد تجارت جهانی نسبت به رشد اقتصاد جهانی مستحکم باقی مانده است. در سال ۱۹۹۳ کندی رشد اقتصادی جهان و رکود اقتصادی در ژاپن و آلمان و اکثر کشورهای اروپایی موجب شد که حجم تجارت جهانی نیز سیر نزولی نشان دهد و رشد حجم تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ به ۲/۶ درصد محدود گردید. گات معتقد است که رشد اندک معاملات تجاری در سال گذشته عمدتاً به دلیل رکود حاکم بر کشورهای اروپایی بوده که میزان صادرات و واردات آنها به پایین‌ترین میزان طی چهل سال گذشته رسید.

در سال ۱۹۹۳ در همین حال موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در صحنه اقتصاد و تجارت جهانی از جمله رویدادهای مهم تلقی گردید و بدون تردید این توافقیهای تجاری جدید در رشد تجارت و اقتصاد جهانی در سالهای آینده بی‌تاثیر نخواهد بود و تاثیر مطلوب ذهنی آن در

(OECD) به دست می‌آید و سوابق اقتصادی و ساختاری آن به خوبی نشان داده می‌شود. این کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۱۲۸ام جهان قرار گرفت و در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۱۲ام رسید. این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد.

این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد. همچنین، این تغییر رتبه نشان‌دهنده توانایی این کشور در جذب سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد اقتصادی است.

این کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۱۲۸ام جهان قرار گرفت و در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۱۲ام رسید. این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد. همچنین، این تغییر رتبه نشان‌دهنده توانایی این کشور در جذب سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد اقتصادی است.

این کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۱۲۸ام جهان قرار گرفت و در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۱۲ام رسید. این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد. همچنین، این تغییر رتبه نشان‌دهنده توانایی این کشور در جذب سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد اقتصادی است.

این کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۱۲۸ام جهان قرار گرفت و در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۱۲ام رسید. این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد. همچنین، این تغییر رتبه نشان‌دهنده توانایی این کشور در جذب سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد اقتصادی است.

این کشور در سال ۱۳۸۸ در رتبه ۱۲۸ام جهان قرار گرفت و در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۱۲ام رسید. این تغییر رتبه نشان‌دهنده تحولات مثبت اقتصادی و ساختاری است که در این کشور در سال‌های اخیر رخ داده است. در این راستا، گزارش‌های مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و داخلی منتشر شده است که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی این کشور می‌پردازد. همچنین، این تغییر رتبه نشان‌دهنده توانایی این کشور در جذب سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد اقتصادی است.

بدین ترتیب یکی از بزرگترین مناطق آزاد تجاری جهان به وجود خواهد آمد. نفتا که در نوامبر ۱۹۹۳ به تصویب کنگره آمریکا رسید توسط رئیس جمهوری آمریکا یک موفقیت بزرگ برای اقتصاد آمریکا تلقی شد و اینکه نفتا نقطه عطفی است که یک بار دیگر موقعیت آمریکا را از نظر رهبری اقتصاد جهان تضمین می‌نماید و اینکه در درازمدت کانون توجه آمریکا به جای اروپا بیشتر به آسیا به عنوان سریع‌الرشدترین بازار جهان، و گسترش نفتا به دیگر کشورهای آمریکای لاتین، خواهد بود.

همچنین در سال ۱۹۹۳ موانع بازرگانی بین کشورهای عضو جامعه اروپا (EC) از میان برداشته شد و جامعه اروپا به اتحادیه اروپا (EU=EUROPEAN UNION) مبدل شد و در نظر است با پیوستن تدریجی اعضای جدید (سوئد، فنلاند، اتریش، نروژ و ایسلند) یک بلوک اقتصادی متشکل از ۱۷ کشور، بزرگترین منطقه تجاری آزاد دنیا تشکیل شود که در آن، کالا، سرمایه و کار آزادانه مبادله گردد.

بنابراین نظر کارشناسان و تحلیل سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) این توافقنامه‌های تجاری سبب افزایش اعتماد تجاری در سال ۱۹۹۴ نیز خواهد شد و از آنجایی که از لحاظ اقتصاد جهانی قدرتمندترین محرکه رشد اقتصادی تجارت

افزایش درآمد خواهد داشت. لیکن کشورهای در حال توسعه‌ای که به طور وسیعی به واردات مواد غذایی وابسته‌اند حداقل در کوتاه مدت زیان خواهند دید زیرا مجبورند قیمت بیشتری برای واردات مواد غذایی بپردازند و قیمت‌های جهانی کالاهای کشاورزی ممکن است تا سال ۱۹۹۵ تا ۱۰ درصد افزایش یابد. همچنین کشورهای برخوردار از ترجیحات تجاری در بازارهای کشورهای صنعتی که میزان این ترجیحات با کاهش تعرفه‌ها تنزل خواهد یافت متضرر خواهند شد و به طور کلی، به نظر کارشناسان، عقد قراردادهای تجارت آزاد بین کشورهای جهان تنها به سود آن دسته از کشورهایی است که دارای تولید انبوه و محصولات ارزاتر هستند.

در سال ۱۹۹۳ همچنین "نفتا" یا پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی که بین آمریکا، کانادا و مکزیک توافق گردید و از آغاز سال ۱۹۹۴ به مرحله اجرا گذاشته شده است، به این سه کشور اجازه می‌دهد در مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری و استفاده از نیروی کار خود از تسهیلات ویژه‌ای برخوردار شوند، و تعرفه‌های تجاری کمتری بپردازند. با اجرای این پیمان طی ده سال آینده ۹۹ درصد عوارض گمرکی و حقوق بازرگانی که به کالاهای مبادلاتی بین این کشورها تعلق می‌گیرد از بین رفته و

تبدیل شدن به یک نهاد اقتصادی و ...
در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۳ ...

در سال ۱۹۸۷ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۷ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۷ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

۱۹۸۵ و ۱۹۸۰

۳- عملکرد و چشم انداز تحولات

در سال ۱۹۸۵ ...
در سال ۱۹۸۰ ...

برابر ۱۰۶/۹ این قرار گرفت و در ماه نوامبر ۱۹۹۳ نیز ارزش آن به ۱۰۷/۸ این افزایش یافت. دلار در مقابل مارک آلمان نیز از هر دلار برابر ۱/۵۹ مارک در اواسط سپتامبر به ۱/۷۱ مارک در نیمه دوم نوامبر ۱۹۹۳ افزایش ارزش داشت.

سریع بودن رشد اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده آسیا و اقیانوس آرام در جهان به واسطه سرمایه گذاری داخلی از سوی بخش خصوصی، رشد سریع نیروی متخصص و میزان بالای سپرده‌ها در سایه مدیریت کارآمد دولتی بوده است، و اینکه این کشورها به طور کامل از سیاست بازار آزاد پیروی ننموده بلکه اکثراً سیاستهای دخالتی پیش گرفته اند و دیگر پایین بودن نسبی فساد مالی بین کارکنان دولت و کارآیی دستگاههای دولتی با یک خط مشی مناسب اقتصادی قلمداد گردیده است.

به طور کلی انتظار بر این است که در سال ۱۹۹۴، دلار به خاطر کاهش مجدد نرخهای بهره در سایر کشورهای صنعتی و عملکرد بهتر اقتصاد آمریکا در مقایسه با موقعیت ضعیف اقتصادی اروپا و ژاپن، و تقاضای بالای دلار در کشورهای بحران زده نظیر شوروی سابق، افزایش ارزش

ترتیب نوسانات بازار ارز تشدید شد. دلار آمریکا که در سال ۱۹۹۳ اغلب روند مشخصی را دنبال نمی نمود در دوره پایانی آن سال در برابر ارزهای عمده اروپائی تقویت گردید که دلایل آن نیز کاهش نرخهای بهره در ژاپن و آلمان و به تبع آن کاهش نرخهای بهره در سایر کشورهای اروپائی، و مسائل سیاسی روسیه و بالاخره بهبود اوضاع اقتصادی در آمریکا ذکر گردید. هنگامی که بانک مرکزی آلمان در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۳ نرخ تنزیل مجدد و نرخ لمبارد را به ترتیب به ۵/۷۵ و ۶/۲۵ درصد کاهش داد سایر کشورهای اروپائی (فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، دانمارک، ایرلند، بلژیک، اتریش، هلند و سوئیس) نیز به تبع آن نرخهای بهره خود را کاهش دادند.

در ژاپن نیز در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۳ نرخهای تنزیل از ۲/۵ به ۱/۷۵ درصد و در سطح بی سابقه‌ای بسیار پایین قرار گرفت. در رابطه با این ژاپن، دلار در اوت ۱۹۹۳ به پایین ترین سطح ارزش خود نسبت به این ژاپن در دوران پس از جنگ جهانی دوم (یعنی هر دلار به ۱۰۱ این) رسید و دلار آمریکا در فاصله ژانویه تا اوت ۱۹۹۳ در مقابل این ژاپن ۲۰ درصد کاهش ارزش داشت، ولی دلار در ماههای پایانی سال ۱۹۹۳ نسبت به این ژاپن کمی تقویت شد و در ماه اکتبر ۱۹۹۳ به طور متوسط هر دلار

این دولت در سال ۱۹۶۱ میلادی در پی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بود. در این سال، دولت اقدام به ملیکوت کردن زمینها و صنعتها کرد. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید. در سال ۱۹۶۱، دولت اقدام به اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی کرد. این سیاستها شامل ملیکوت زمینها، ملیکوت صنایع، و ملیکوت خدمات بود. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید. در سال ۱۹۶۱، دولت اقدام به اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی کرد. این سیاستها شامل ملیکوت زمینها، ملیکوت صنایع، و ملیکوت خدمات بود. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید.

در سال ۱۹۶۱ میلادی، دولت اقدام به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی کرد. این اقدامات شامل ملیکوت زمینها، ملیکوت صنایع، و ملیکوت خدمات بود. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید. در سال ۱۹۶۱، دولت اقدام به اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی کرد. این سیاستها شامل ملیکوت زمینها، ملیکوت صنایع، و ملیکوت خدمات بود. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید. در سال ۱۹۶۱، دولت اقدام به اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی کرد. این سیاستها شامل ملیکوت زمینها، ملیکوت صنایع، و ملیکوت خدمات بود. همچنین، دولت در پی اصلاحات آموزشی و بهداشتی بود. این اقدامات منجر به تحولات اساسی در اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران گردید.

رابطه دلار و ین بیشتر تحت تاثیر عوامل سیاسی و مذاکرات تجاری آمریکا و ژاپن است و آنچه در دهه اخیر شاهد آن بوده‌ایم گواه بر آن است که ژاپن به سیاستهای اقتصادی آمریکا کمابیش تن داده است. روند کسری تراز تجاری آمریکا با ژاپن از سال ۱۹۷۱ به میزان $\frac{1}{3}$ میلیارد دلار آغاز شد که در سال گذشته (۱۹۹۳) به $\frac{59}{3}$ میلیارد دلار بالغ گردید؛ به طوری که نیمی از کل کسری تجاری آمریکا در سال ۱۹۹۳ در مبادلات تجاری با ژاپن به بار آمد و بدین ترتیب آمریکا مناقشات شدیدی را به راه انداخته و از ژاپن می‌خواهد که بازارهای خود را بیشتر به روی جهان و آمریکا بگشاید و دستیابی ژاپن به رونق اقتصادی از طریق کاهش شدید ارزش ین و در نتیجه افزایش صادرات ژاپن برای کشور آمریکا قابل قبول نمی‌باشد. درست است که رونق و رشد اقتصادی ژاپن یک هدف اساسی در سیاستگذاری آمریکا نیز می‌باشد زیرا با چنین رشدی تقاضای ژاپنی‌ها برای صادرات آمریکا نیز افزایش می‌یابد، ولی آمریکا مایل است که رشد اقتصادی ژاپن از طریق سیاستهای مالی انبساطی نظیر کاهش مالیاتها و افزایش هزینه‌های عمومی و افزایش تقاضای داخلی تقویت گردد و از طریق افزایش صادرات متکی به ارزش پایین‌تر برای ین ژاپن صورت نگیرد.

این اقتصاددان معتقد است که ارزش برابری دلار در نیمه دوم سال ۱۹۹۴، دلار آمریکا بین $\frac{1}{75}$ و $\frac{1}{77}$ مارک ارزش گذاری گردد. همچنین انتظار این است که در سال ۱۹۹۴ ارزش دلار در برابر پوند انگلیس و فرانک فرانسه نیز افزایش یابد به طوری که دلار در برابر فرانک فرانسه تا نوامبر ۱۹۹۴ به میزان ۶ تا ۷ درصد، و در مقابل پوند تا ۵ درصد تقویت شود و برای دلار آمریکا در میان هفت کشور عمده صنعتی جهان در سال ۱۹۹۴ فقط در مقابل دلار کانادا کاهش ارزش پیش‌بینی شده است. (جدول شماره ۲)

در سال ۱۹۹۴ روند صعودی دلار در برابر ین ژاپن هم محدود می‌باشد و دولت آمریکا مایل نیست که دلار نسبت به ین زیاد تقویت گردد زیرا صادرات آمریکا به ژاپن کاهش یافته و اشتغال در آمریکا نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. تحلیل‌گران بازار ارز معتقدند که دامنه تغییرات برای هر دلار بین ۱۰۵ تا ۱۱۵ ین در سال ۱۹۹۴ بوده و ارزش مورد نظر آمریکا هر دلار برابر ۱۰۵ ین می‌باشد و برای مقامات رسمی ژاپن تضعیف پول این کشور به ازای هر دلار حدود ۱۱۵ ین ارجح است. باور کلی بر اینست که در سال ۱۹۹۴ متوسط ارزش پول ژاپن در مقابل هر دلار برابر ۱۰۷ ین ثبت گردد.

جدول (۲): پیش‌بینی‌های روند ارزش دلار در برابر سایر ارزهای هفت کشور عمده
صنعتی جهان در سال ۱۹۹۴
(پول کشورها به‌ازای یک دلار)

تا اول نوامبر ۱۹۹۴			متوسط ماه اکتبر ۱۹۹۳	دامنه تغییرات در ۱۹۸۵ - ۱۹۹۳	کشورها
L.B.S	ETM	C.F			
۱/۷۵	۱/۷۷	۱/۷۶	۱/۶۴	۳/۴۵-۱/۳۹	مارک آلمان
۱۰۷	۱۱۳	۱۱۰/۹	۱۰۶/۹	۲۶۳/۱۰-۱۰۱/۲۰	ین ژاپن
۶/۰۹	-	۶/۱۶	۵/۷۴	۱۰/۵۷-۴/۷۴	فرانک فرانسه
-	-	۱۶۵۹	۱۵۹۹	۲۱۵۶-۱۰۶۴	لیر ایتالیا
-	۱/۲۹	۱/۲۹	۱/۳۳	۱/۴۴-۱/۱۲	دلار کانادا
۱/۴۳	۱/۴۳	۱/۴۵	۱/۵۰	۲-۱/۰۳	پوند انگلیس*

* دلار به پوند

C.F = CONSENSUS FORECASTS , 1 NOV.1993

E.T.M = EUROMONEY TREASURY MANAGER , 5 NOV.1993

L.B.S = LONDON BUSINESS SCHOOL , EXCHANGE RATE OUTLOOK , NOV.1993

- 13- BANQUE PARIBAS , CONJONCTURE , FEBRUARY 1994 , DEC.1993.
- 12- OPEC, "MONTHLY REPORT ON THE PRICE OF OIL , US DOLLAR AND FLATION "
- 11- INTERNATIONAL BUSINESS WEEK , 4 JAN 1994 .
- 10- ECONOMIST , APRIL 1994 .
- 9 - GOLDMAN SACHS, THE INTERNATIONAL ECONOMIC ANALYST MARCH 1994 .
- 8 - UN , WORLD ECONOMIC SURVEY 1993 , 1994 .
- 7 - FINANCIAL TIMES .
- 6 - IMF . SURVEY 11 OCT 1993 .
- 5 - OECD , ECONOMIC OUTLOOK , DEC,1993 .

پژوهشگاه بین‌المللی اقتصاد و توسعه
مركز علوم انسانی

- ۱- پنجه‌گزارى جمهورى اسلامى ايران، اقتصادى - اړوندتوبت يا ۱۳۷۳ .
- ۲- بانکى مركزى جمهورى اسلامى ايران، پولنى مالي و اقتصادى بين‌المللى - ۱۹۰۰ .
- ۳- بانکى مركزى جمهورى اسلامى ايران، اجزاء اقتصادى روزى .
- ۴- مؤسسه مطالعات و پژوهشهاى بازرگانى - پولنى بازرگانى - شماره‌هاى مختلفه .

منابع و مراجع :